

# زبان تالشی

سیروس سلیمانی



جامعه‌ی بشری بوده و اکنون نیز می‌باشد و این زبان توانسته است از عهده‌ی آن ارتباط بخوبی بر آید و در عصر حاضر که عصر ارتباطات است و هرکس که بتواند اطلاعات خود را با استفاده امواج انتقال دهد و سیطره‌ی خود را بسط دهد موفق تر است که در این بخش زبان تالشی جایگاه اندکی دارد. این زبان دلنشین که برای ابراز بسیاری از احساسات درونی دارای سوز و گداز خاصی است و شنونده را بسیار متأثر می‌کند متأسفانه در کار برد با چالش‌هایی مواجه است که به چند مورد از اهم آن اشاره می‌کنیم قبل از آن که به موضوعات زیر بپردازم به این نکته اشاره کنم که بنده در پی تحقیر هیچ زبان و یا قومی و یا بکار بردگان آن زبان‌ها نیستم؛ هر زبانی برای گویشوران آن زبان محترم است و آن احترام بر من هم فرض است و عقیده راسخ دارم که هر قومی باید زبان مادری اش را حفظ کند.

۱. عدم خطی که مبین آواهای آن باشد: زبان تالشی همانند بسیاری از زبان‌های دیگر فاقد خط است و طبیعتاً هیچگونه نوشتاری از گذشتگان بدست ما نرسیده است و با قاطعیت نمی‌توانیم بگوئیم که آیا واژه‌هایی که امروز بکار می‌بریم گذشتگان ما ایضاً همان‌ها را استعمال می‌کردند و مانند ما گفت و شنود می‌کرده‌اند یا خیر؟ تغییر و تحول آوایی و یا واجی به چه صورت بوده است. با این حال تعدادی از واژه‌هایی هستند که با مقایسه در زبان فارسی می‌توان به ماهیت آنها پی برد؛ مثل واژه « برف » که ریشه در فارسی باستان و میانه و دوره جدید دارد و ریشه‌ی آن با « ور » تالشی یک سان است و این چنین کلماتی را می‌توان ردیابی کرد ولی آثار ماندگار کتبی از گذشته با این زبان بجا نمانده است و یا اگر هست ناشناخته و یا کمیاب و نایاب است که در صورت موجودیت حتماً از حروف فارسی استفاده شده است. و حال عزیزانی خوش ذوق و هنرمند در عرصه‌ی ادبیات و فرهنگ و هنر تالش قدم گذاشته‌اند اولاً جدیداند و ثانیاً هر گاه خواسته‌اند گوشه‌ای از آداب و سنن و فرهنگ غنی این مرز و بوم ارائه دهند با استفاده از خط فارسی که خود بر گرفته از زبان عربی است می‌نویسند با عنایت به این که گذشتگان ایرانی ما چهار حرف به حروف زبان عربی افزوده‌اند تا بتوانند زبان فارسی را با خط عربی بنویسند و خود این خط

زبان یکی از رازهای شگفت خلقت است که خداوند کریم در میان تمام مخلوقات خود، این موهبت را به آدمی ارزانی داشته است. انسان، این اشرف مخلوقات، آن را بدست دارد که بتواند اسرار آفرینش را بشکافد. شاید بدین مناسبت است که گفته‌اند « زبان تکیه گاه اندیشه است » اندیشه را هم خداوند تبارک و تعالی از آن آدمی کرده است که متفکرانه به هستی بنگرد، تدبر کند، مبتکر شود، بیافریند تا محب خود را عمیق تر بشناسد.

درباره‌ی پیدایی زبان و منشأ آن، زبان شناسان و تاریخ نگاران سخن‌ها گفته و حدس بسیار زده و فرضیه‌های زیادی داده‌اند؛ از منشأ الهی و صدا‌های طبیعی گرفته تا کار و کوشش فردی و مادی و اجتماعی و..... اما بیشتر نظریه‌ها، غیرمؤثق و صحت و سقم آنها قابل اعتنا نبوده و در همان حدس و گمان باقی مانده است. از همه قابل قبول تر، نظریه‌ی هماهنگی و تناسب اعضای بدن آدمی است که ساختار گفتاری اش با سایر جانداران متفاوت است. این ایده، علمی و مقبول طبع آدم امروزی هم هست. بشر از نعمت اندیشه هم بر خوردار است و سر در تخیل فرو برده، تا جایی که توانسته، به راز خلقت زبان پی برده است. کشف این راز در میان طبقات مختلف، از فلاسفه و اهل منطق گرفته تا روان شناس و جامعه شناس و..... رخنه کرده است. و هر یک از این گروه‌ها، طرفدارانی با نظرات و اندیشه‌های متفاوت داشته‌اند و سهمی از آن شناخت را از آن خود دانسته‌اند، از طرفی گرایش‌های مختلف سبب شده است که علم زبان شناسی گسترده تر شود و یک شخص یا گروه نتواند بر تمام دانش آن مسلط شود.

« زبان تالشی یکی از زبان‌های ایرانی دوره جدید می‌باشد که جزء زبان‌های شمال غربی ایران محسوب می‌شود و در ناحیه‌ی واقع در جنوب غربی دریای مازندران بکار می‌رود تالش‌های ساکن قفقاز هم بدین زبان تکلم می‌کنند » ۱ زبان تالشی آیا یک زبان است یا یک گویش؛ در میان اهل فن اختلاف است. بعضی از اساتید زبان شناس آن را یک گویش می‌دانند و بعضی یک زبان. ایها الحال؛ زبان تالشی هم مانند زبان‌های دیگر در ادوار و اکناف مختلف، ابزاری برای ارتباط

مستعمل زبان فارسی برای متعلمین دشواری‌هایی دارد مخصوصاً کسانی که می‌خواهند زبان فارسی را به عنوان زبان غیر از زبان مادری خود برگزینند و در پی آن هستند که آن را فرا بگیرند. جهت تصریح این مطلب نمونه‌ای را بیان می‌کنم مثلاً در آوای زبان فارسی شش واکه یا مصوت هیچ علائم نگارشی ندارد و ما نانوشته آن را می‌خوانیم و بصورت مفروض بکار می‌بریم؛ حال سؤال این است اگر این طور است پس چگونه آن‌ها را می‌خوانیم و با مشکلی در زبان فارسی مواجه نمی‌شویم؟ در پاسخ باید گفت چون ما در دوران تعلیم به همان شکل فرا گرفته ایم و بر اثر تمرین و ممارست است که دچار مشکل نمی‌شویم و به این صورت عادت ما شده است



دارد بنابر این کامل است اما برای واکاوی این مطلب نیاز به بررسی تاریخی است تا عوامل مؤثر در تغییر و تحول آوایی یا واجی که در این امر دخیل هستند بررسی شوند.

۲- بی‌توجهی گویشوران به این زبان و عدم انتقال آن به نسل‌های بعدی. دومین مشکل پیش روی زبان تالشی این است که بسیاری از مردم تالش بصورت آگاهانه یا ناآگاهانه از بکار بردن زبان تالشی کوتاهی می‌کنند و واژه‌هایی که معادل تالشی دارند بکار نمی‌برند و بیشتر از واژگان زبان فارسی استفاده می‌کنند و یا فرزندان که برای آنها متولد می‌شود با آن‌ها فارسی حرف می‌زنند و یا احیاناً بکارگیری زبان فارسی را جزء تمدن و پیشرفت می‌دانند و بکارگیری زبان تالشی را نوعی عقب ماندگی تصور می‌کنند در حالی که الحمدلله در کشوری زندگی می‌کنیم که طبقه بندی اجتماعی زبانی نداریم عامه مردم در تبادل ارتباطات با یکدیگر به یک صورت سخن می‌گویند چه استاد دانشگاه باشد چه یک کارگر بی‌سواد. البته بنده در پی رد زبان فارسی نیستم زبان میانجی و قانونی ما ایرانیان است و حفظ و نگهداری آن بر همه‌ی ما واجب است و هیچ‌گاه زبان فارسی هم، عرصه‌ی خود را با بکار بردن زبان تالشی تنگ نمی‌بیند بنابر این همان اندازه که عدم نشانه‌های آوایی زبان تالشی ما را با مشکل مواجه می‌سازد همان اندازه هم عدم بکارگیری زبان تالشی در از بین بردن آن مؤثر خواهد بود یعنی خط و کتابت نداریم و آن را بکار نمی‌بریم و آنچه می‌خواهیم زبان ما را حفظ کنیم و بدینصورت با تناقضی آشکار مواجه خواهیم شد. با فارسی حرف زدن، زبان تالشی حفظ نمی‌شود و اگر ما خود بکار نبریم اقوام دیگر زبان ما را یاد نمی‌گیرند و بکار نخواهند برد. پس در مرحله‌ی اول کسانی که خود دم از حفظ فرهنگ، آداب و رسوم، و..... تالش می‌زنند باید از خود شروع کنند و برای حفظ این زبان زیبا تلاش کنند.

- کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی

و یا این عزیزان آوانگاری می‌کنند که خود آوانگاری‌ها هم بعضاً دارای اشکال است و هر کسی نمی‌تواند براحتی آن را بخواند یا بنویسد. ۲ حال نویسندگان هنرمند و توانمند تالش زبان ما، همان حروف فارسی را که توانایی انعکاس همه‌ی آوای زبان فارسی را ندارد آن نسخه را برای زبان تالشی تجویز کرده و بکار می‌برند که خود ناکارآمد است و به مثابه‌ی لباس تنگی است که بر پیکر تنومند زبان فارسی پوشیده‌اند.

زبان تالشی در مقایسه با زبان فارسی هم از نظر کاربرد واژگان و هم نحو و هم آوای گفتاری زبان تفاوت‌هایی دارد؛ درجای‌های زبان فارسی واج اول صامت است و واج دوم یکی از مصوت‌های ششگانه‌ی عربی است و نمی‌تواند ابتدا به ساکن باشد ولی در زبان تالشی ابتدا به ساکن در بسیاری از گویش‌ها همه‌ی آن‌ها داریم ولی آیا از نظر آواشناسی این ساکن مانند زبان عربی یا فارسی است؟ آیا جایگاه تولید این آواها مانند زبان فارسی است؟ و چندین سؤال دیگر... که باید به آن پاسخ محققانه ماندکاری که آقای یدالله ثمره با آوای زبان فارسی کرده و نتیجه‌ی تلاش او یک جلد کتاب آواشناسی زبان فارسی شده است. با این تفاوت که زبان فارسی منابع بسیار متعدد و بی‌شمار دارد و او با استفاده از یکی از این منابع این تحقیق را انجام داده است و لازمه‌ی این کار در مرحله‌ی اول عالم بودن به علم زبان شناسی و در مرحله‌ی دوم داشتن منابع مکتوب است که با داشتن اولین شرط، محقق شدن شرط دوم در زبان تالشی بسیار مشکل است و اگر هم به کتاب‌های نوشته شده امروزی استناد شود مشکل دیگری روی خواهد نمود و آن هم این است که زبان تالشی گویش‌های متفاوت دارد و محقق به کدام گویش استناد کند و این هم مزید بر علت خواهد بود مگر آن که به یک گویش خاص توجه نماید و دایره کار خود را محدود نماید. به عنوان مثال نمونه‌ای از این اختلاف‌های گویشی اشاره می‌کنم. دو بخش ماسال و شاندرمن که چهار کیلومتر از هم فاصله دارند بسیاری از واژگان گویشوران با همدیگر تفاوت دارد مثلاً واژه امشب را گویشوران ماسالی «اوشان» و گویشوران شاندرمنی «شنا» یا «شَنار» می‌گویند و هیچیک هم نمی‌توانند مدعی شوند که کدامیک از این دو درست تر می‌گویند و به یقین هر دو درست می‌گویند چون در علم زبان شناسی هیچ زبانی ناقص نیست زیرا هر زبانی توانایی انتقال احساسات درونی هر فرد را